

استاد محمد محیط طباطبائی

نابکار قدیمی

اختلاف نظر آقای دکتر علی اصغر حریری تبریزی طیب‌عالی‌قدر و نویسنده بنام و شاعر توانا با قاطبه ارباب قلم کشور در باره استعمال لفظ متداول قدیمی از سه سال پیش بدین طرف سلسله جنیان بحثی و نقدی بسیار جالب و شیرین در مجله ادبی کهنسال ارمنان شده و با وجود تکرار سخن عرض و نقض هنوز به نتیجه قطعی نپیوسته است .

آقای دکتر حریری که به صحت بنیه زبان ملی خود علاقه قابل تحسین و تقدیری دارند به اعتبار اینکه کلمه « قدیم » خود صفت است نه موصوف ، الحاق یای نسبت یا وصفی را بدان کاری بیهوده دانسته و در نتیجه به کار بردن صفت « قدیمی » را در مواردی از قبیل « نسخه قدیمی » و « آثار قدیمی » و نظائر آن ، از طرف نویسندگان و پژوهندگان کاری عبث بلکه غلط شمرده‌اند و فقدان آنرا در آثار متقدمان ، گواہ ناروایی استعمال آن آورده‌اند . علاوه بر این موضوع ، آقای دکتر در سلسله مقالات شیوا و دلچسبی که بطور مسلسل در ارمنان انتشار داده‌اند و بیست و چهارمین مقاله‌اش در شماره مهرماه ۱۳۵۱ به نظر خوانندگان مجله رسیده است ، اصرار نویسندگان معاصر را در ادامه استعمال لفظ قدیمی از جمله نابکاریهای نابکاران عصر محسوب داشته‌اند .

کلمه نابکار چنانکه ظاهر ساختمان لفظی آن نشان می‌دهد صورت منفی بکار فارسی است .

« بکار » به شهادت فرهنگهای فارسی مفهومی معلوم و معین دارد که از افق متداول

بیفایده‌گی و بیهودگی و نامستعملی و نامشغولی و بی‌عملی یا ناشیکری و جهل به‌عمل تجاوز نمی‌کند ولی استعمال ناروا و نامحدود آن در مفهوم وسیع بدکاری و تبه‌کاری و سیه‌کاری و بدکرداری از طرف نویسندگان معاصر کلمه را چنان از مورد اصلی و مفهوم واقعی و قدیمی خود دور کرده که به‌صورت زنده و دشنام‌گونه‌ای در آورده است .

با بصیرت کاملی که آقای دکتر حریری به شهادت نوشته‌های خود در مورد استعمال الفاظ متداول زبان فارسی دارند مسلم است که مقصود ایشان از لفظ «نابکار» در این مورد معنی بدکاری و بدکرداری و تبه‌کاری جدید نبوده است بلکه از این لفظ همان معنی ساده متبادر به ذهنی را اراده کرده‌اند که هزار سال پیش از این فردوسی طوسی ، ناشیکری و نامرغوبی و نارسائی سخن گشتاسب نامه دقیقاً هم‌شهری خود را بدان ستوده و نموده بود .

گرچه علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه نخستین وزیر علوم کشور ایران در درك معنی این نابکار پس از نهمصد سال زیر نفوذ مدلول متبادر به ذهن روزگار خویش قرار گرفته و دستخوش اشتباه شده است . یقین دارم در توضیحی که مرقوم خواهند داشت تکرار این شبهه را در سخن خود از خاطرها خواهند زدود و حقیقت مدلول کلمه نابکار را روشن خواهند کرد تا کسانی که در استعمال صفت قدیمی به خود دغدغه‌ای راه نمی‌دهند و به‌عادت قلم ، هر روزه آن را به کار می‌برند در مظنه نابکاری مفهوم حضرت والا اعتضاد السلطنه قرار نگیرند .

اینک از مقدمه یا تفسیر و تعبیر لفظ نابکار به اصل کلمه «قدیمی» می‌پردازیم . تصور می‌کنم با سابقه معرفتی که برای نویسندگان ارجمند نسبت به زبان‌های معروف شرق و غرب حاصل است .

توضیح این نکته زاید باشد که صفت در موردی که موصوف آن معروف و متبادر به ذهن باشد می‌تواند برجای موصوف بنشینند و از خواص صرفی و نحوی اسم برخوردار گردد. دانا، درویش، پیرو جوان چون صفات معروف انسانی است نیازی به ذکر کلمهٔ مرد یا آدم پیش از خود ندارد و همان دانا و درویش و پیرو جوان تنها افادهٔ مدلول مرد دانا و مرد درویش و مرد پیر و مرد جوان را می‌کند و خاصیت دستوری اسم را می‌پذیرد یعنی جمع می‌بندد و مشار الیه قرار می‌گیرد و شمرده می‌شود و در مقام فاعلی و مفعولی می‌نشینند و در جمله مسند الیه می‌گردد، بدین نظر می‌تواند به یاء نسبت یا وصفی متصل شود و این منسوب به صورت صفت برای موصوفی درآید چنانکه می‌گوئیم: آرزوهای جوانی، جامهٔ دانایی، ناله‌های پیری و کشکول درویشی.

در زبان فرانسه و انگلیسی کلمه‌های مرادف صفت «قدیم» عربی و فارسی همانا *ancien* (آنسین) و *antique* (آنتیک) *Old* (الد) هستند که دایرهٔ استعمال آنها وسعت می‌پذیرد و از حالت وصفی به مرحله موصوفی می‌رسند و قبول حرف تعریف و علامت جمع می‌کنند. در این صورت اگر *The Old* (الد) موصوف بتواند به صورت وصفی (الدیش) *Oldish* درآید چرا همانند فارسی یا عربی آن، قدیم را باید از قبول یاء نسبت و صورت وصفی قدیمی محروم سازیم و قدیمی را غلط بشماریم؟

آری، زبان سماعی است و به قیاس نمی‌توان آن را تغییر داد. بدیهی است مراعات این اصل در صورتی لازم است که اصول و مبانی لغوی اجازهٔ اشتقاق و تصریف و نحت لفظ تازه ندهد و محظوری دستوری در بین باشد در غیر این صورت نه تنها استعمال قدیمی مجاز است بلکه جدیدی و صمیمی و کریمی و دهها نظائر آنها هم از برکت استعمال برخوردار می‌توانند شد.

غیاث اللغات که از فرهنگهای معروف و معتبر زبان فارسی ادبی است بعد از قید ماده « قدیمی » بدون آنکه برای آن مفهومی ذکر کند، مینویسد :

« قدیمی -- در آخرین لفظ زیادت « یا » خطا باشد چنانکه در زیادتی و جدیدی . »

غیاث الدین رامپوری مؤلف غیاث اللغات از فارسیدانان زبردست هندوستان در صده یازدهم بوده ولی در این لغت نتوانسته است حق مطلب را ادا کند و باعث برخطا بودن یا را ننوشته و دو ماده زیادتی و جدیدی را در جای خود ابدآ، ذکر نکرده است تا چه رسد بدانکه سبب خطا بودن یا را در آنها توضیح بدهد. غیاث در این لفظ به روش معمول خود که از مأخذ نقل خویش نام میبرد رفتار نکرده و مأخذ این غلطگیری را در قدیمی و جدیدی به دست نداده است.

بنابراین ما از قید ماده قدیمی در فرهنگ غیاث چنین استنباط میکنیم که این لفظ در صده یازدهم هجری میان فارسیگویان هند وستان و ایران متداول بوده است. اشاره فرهنگ معین به استنادفیش لغات غیاث اللغات، درباره غلط بودن کلمه از همین مأخذ بوده که در عمل، بنا به تذکر آقای جمال زاده خلاف آنرا معمول داشته و صفت قدیمی را در نوشته خود بکار برده اند.

نکته ای که با کمال تأسف از نظر صاحبمظران به دور مانده این است که لغت نویس و فرهنگ نگار غیر از زبان شناس و لغت شناس است. بنا بر این قول کسانی که هنر آنها نقل الفاظ و معانی از دفتری (یا دفترهائی به دفتر دیگر بوده برای الزام طرف مباحثه به قبول ورد موضوعی کافی نیست و ورود لفظی در شعری یا نثری از قدها هزار برابر استشهاد به قول آنان (اگر بدون شاهد و مأخذ نقل کرده باشند) ارزش دارد.

مثلاً ورود عبارت « سنت قدیمی » در شعر نظامی که آقایان پژمان وامیری فیروزکوهی یادآوری کرده‌اند :

من نیز به سنت قدیمی گفتم غلطی بدین عظیمی

ما را از همهٔ فرهنگ نویسان متقدم و متأخر بی‌نیاز می‌تواند بکند .

زیرا از روی انصاف باید پذیرفت که قدیمی در مصراع اول صفتی است برای سنت که از الحاق یای نسبت به لفظ قدیم ، ساخته شده است .

چه اگر به اعتبار کلمه سنت موصوف یای قدیمی را وحده و مجهول فرض کنیم نمیتوانیم یای عظیمی را هم برای رعایت صحت قافیه مجهول بدانیم ، زیرا عظیمی که مشار الیه این ، در عبارت « بدین عظیمی » قرار گرفته نمیتواند مفهومی جز عظمت و بزرگی را افاده کند که یای آن مصدری و معروف است . بنابراین چون جمع میان یاء مجهول و معروف در قافیۀ بیت منظوم استادی همچون نظامی غیر ممکن است پس یاء قدیمی هم معروف و نسبی و وضعی است و قدیمی را در این شعر باید قدیمیترین مورد استعمال معروف این کلمه در سنت قدیمی دانست .

همین يك مورد که از شبههٔ احتمال صورت مصدری خارج افتاده است میتواند به ادعای غیاث الدین راهپوری که قدیمی وجدیدی را غلط شمرده جواب دندان شکن بدهد و سایر مدعیان را هم ملزم به سکوت و اصلاح نظر کند .

یهودیان اصفهان که در عهد سلطنت شاه عباس دوم اسلام آورده بودند جدیدی خوانده می‌شدند و این لفظ برای ایشان افتخار آمیز بود و آن متخفف جدیدالاسلام بود که مرحوم حاجی ملارضای همدانی متکلم معروف بدان میباید .

از عهد فتحعلی شاه به بعد همین صفت جدیدی به یهودیان تازه مسلمانی که در دوران حکومت خراسان محمد ولی میرزا اسلام آورده بودند نیز گفته میشد .

و هم اکنون آن دسته از جدیدیهای مشهد که هنوز به فلسطین مهاجرت نکرده‌اند در خراسان به همین کلمه موصوف میباشند .

خود آقای دکتر حریری قطعاً پنجاه سال پیش که در تبریز میزیسته اند این صفت جدیدی را از زبان عامه مردم برای معرفی برخی از پیروان عقاید و فرقه‌های جدید شنیده اند .

حال ، غیاث‌الدین رامپوری و پیروان او در هند و ایران بخواهند جدیدی را غلط بدانند و استعمال آن را محظور بشمارند یا ندانند و شمارند، ضرورت استعمال آن را جایز بشمارد و در موقع خود به کار میبرد .

از آنجا که در این استعمال هیچ‌زیانی به دستکاه لغت فارسی و قواعد دستوری آن وارد نمی‌آید و ناهنجاری عارض گفتاری نمی‌گردد نباید خود را به زحمت افکنند و آن را کار نابکاران شمرد .

دویست و پنجاه سال پیش از این که برخی از موبدان دانای یزد و کرمان برای ارشاد و تعلیم و تربیت همکیشان هندی خود به گجرات رفته بودند دریافتند که سال یزدگردی مقرر در تقویم مذهبی زردشتیان ایران پیش زردشتیان هند یکماه دیرتر آغاز می‌گردد . در صدد اصلاح تقویم ایشان برآمدند و گروهی این بازگشت به تقویم قدیم را که در ایران متداول بود پذیرفتند و جمعی هم بر همان سنت معمول خود باقی ماندند در نتیجه زردشتیان گجرات به دودسته مذهبی مشخص تقسیم شدند پیروان تقویم قدیم یزدگردی و طرفداران تقویم متداول هند . دسته اول را قدیمی و دسته دوم را شهرشاهی نامیدند که هر دو کلمه بعداً تغییر تلفظ پیدا کرده و به صورت قدیمی و شاهنشاهی درآمدند .

ملاحظه میفرمائید ضرورت نمی‌گذارد که حتی فارسیگویان هند هم از نظر

غیاث زامپوری در غلط بودن قدیمی تبعیت کنند بلکه با استفاده از همان لفظ غلط وجود خود را به دیگران معرفی کرده‌اند.

این فارسی‌زبانان تنها نیستند که با ترکیب «قدیم» عربی با یاء نسبت یا وصفی، صفتی همتای لفظ قدیم و بهمان معنی معهود ساخته و در زبان خود به کار برده‌اند بلکه ترکهای عثمانی وارد و زبانان هند و فرهنگ‌نویسان زبان کردی هم قدیمی را در زبان خود یافته‌اند و به فرهنگ نامه‌های خویش در آورده‌اند.

شمس الدین سامی زبانشناس و فرهنگ‌نویس معروف کرد، قدیمی را در قاموس بزرگ ترکی خود ضبط کرده و پس از اشاره‌ای بدینکه قدیمی در زبان عربی بکار نرفته استعمال آن را در زبان ترکی محصول ضرورت لغوی شمرده قدیمی را بهمان معنی «دیرین» و «قدیم» تفسیر کرده است.

نارام زاین‌هندو مؤلف فرهنگ اردو به انگلیسی و انگلیسی به اردو برای رفع احتیاج مدارس هند، مادهٔ قدیمی را در جای خود به معنی کهنه (old) در فرهنگ اردو به انگلیسی خود آورده است.

شیخ محمد مردوخ مؤلف فرهنگ کردی به کردی و فارسی و عربی که از زبان شناسان بنام کرد و کردستان شناخته میشود، قدیمی را به صورت صفت مفرد در کتاب خود نیاورده بلکه در جمع کلمه آن را بصورت «قدیمی کل» ضبط کرده و به پیشینیان و قدیمیها و قدما ترجمه کرده است.

بنابراین در سه زبان ترکی و اردو و کردی که از حیث استعمال لغات همواره به زبان فارسی نظر دارند قدیمی را به معنی وصفی و با یاء وصفی به کار برده‌اند.

حال ببینیم این اسم «قدیم» که صفت قدیمی را از آن گرفته‌اند چه شده که از حالت صفتی متدرجاً به موصوفی درآمده است ؟

کسانی که با مباحث کلامی انس خاطری دارند میدانند که اسلوب تفکر و اصول عقاید دینی فرقه های ثنویه راجع به حاضر و گذشته دستگام خلقت با روش فکری مسلمانان تفاوت کامل داشت و برخی از آنان همچون مانویها به دو اصل قدیم معتقد بودند که نور و ظلمت باشد و دسته دیگری که بنا به نوشته های علمای اسماعیلی ، محمد زکریای رازی پیشوای آنان بود به پنج قدیم یا قدمای خمسه اعتقاد داشتند که خدا و صورت و ماده و مکان و زمان باشند .

اصطلاح قدمای خمسه نشان میدهد که هر يك از این پنج معنی را وجود قدیم میدانستند از آن میان زمان بیش از مکان و صورت و هیولی در قلمرو معرفت عمومی همچون عرف کلامی با صفت قدیم هم آهنگی و دمسازی داشته و این قرابت مدلول به درجه بوده که استعمال قدیم به جای زمان و ساختن صفت قدیمی برای چیزهائی که با گذشته ایام بستگی داشته اند امری بی مانع و جائز بوده است .

بدین نظر وقتی امروز قدیمی گفته و نوشته میشود از آن منسوب به زمان قدیم فهمیده میشود .

هزار سال پیش از روزگار ما قدیم را می توانستند به قدما جمع بیندند و آن را با صفت عددی خمسه همراه بیاورند و آن را منادی قرار دهند و بدین ترتیب قدیم را در حکم اسم موصوف قرار دهند پس چه عیبی دارد اگر امروز منسوب به همان زمان را که به قول متکلمان قدیم یکی از پنج قدیم عالم است « قدیمی » بگوئیم ؟

من که در این کار محظوری نمی بینم !